

فرصت تکرارنشده برای توافق جامع

توافق در مذاکرات هسته‌ای از آذر 92 در ژنو کلید خورد و طرف‌های مذاکره تلاش کردند در مهلت مشخص شده در قالب توافق جامع، اهداف خود را محقق کنند.



توافق در مذاکرات هسته‌ای از آذر 92 در ژنو کلید خورد و طرف‌های مذاکره تلاش کردند در مهلت مشخص شده در قالب توافق جامع، اهداف خود را محقق کنند. حالا به تعبیری در «دقایق پایانی»، ایران و 5+1 تاکتیک‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند و به نظر می‌رسد ازاده توافق در هر دو طرف وجود دارد. تفاوت این دوره مذاکرات در این است که این بار برخلاف گذشته توپ در میدان غربی هاست. به گمان بسیاری از تحلیلگران اگر غرب این فرصت را برای توافق از دست دهد، ممکن است دیگر چنین شرایطی برای رسیدن به توافق جامع پیش نیاید. شرایطی که پیش از این در دوره‌های قبلی مذاکره مهیا نبود و تا این مقدار نظرات در موارد اختلافی به یکدیگر نزدیک نشده بود.

فراهم نشدن شرایط توافق در برخی دوره‌های مذاکره به سیاست‌ها و راهبردهای مقطعی کشورهای حاضر در مذاکرات بستگی داشته و در برخی زمان‌ها به تاکتیک‌های تیم‌های مذاکره وابسته بوده است. مروری بر دوره‌های قبلی مذاکرات و بررسی روند پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، این موضوع را روشن‌تر می‌کند.

بهانه تراشی‌های غرب

حسن روحانی که حالا بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده است، در زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، نخستین مسئول پرونده هسته‌ای ایران بوده است.

شیخ دیپلمات در آن مقطع با اعتمادسازی در مذاکره با سه‌کشور اروپایی تلاش کرد آنها را از تحریم‌های بیشتر بازدارد و با تنش‌زدایی مسیر تعامل را پیش پای این پرونده بگشاید. مذاکره‌کننده ارشد طرف ایرانی، سیدحسین موسویان چند دوره با نمایندگان وزارت خارجه کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان به گفت‌وگو نشست تا بلکه بتواند گرهی از این پرونده باز کند.

صدور بیانیه سعدآباد و امضای توافقنامه بروکسل به همراه تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی از سوی ایران راه را برای اعتماد غربی‌ها هموار کرده بود، اما زیاده‌خواهی آنها و بهانه‌تراشی‌هایشان در توافق پاریس باعث شد خیلی‌ها در داخل کشور تیم مذاکره‌کننده را به عقب‌نشینی متهم کنند. منتقدان معتقد بودند تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی نه فقط به برتری ایران در مذاکره و کسب اعتماد طرف غربی نینجامیده، بلکه باعث شده آنها به خود این اجازه را بدهند که تا مرحله پلمب تاسیسات هسته‌ای پیش آیند.

زیاده‌خواهی اروپایی‌ها باعث شدت گرفتن انتقادات شده بود و اعتماد نداشتن بخشی از جامعه را به دنبال داشت؛ بی‌اعتمادی که در اظهارنظرهای مختلف دیده می‌شد و بخشی از مردم را نسبت به حفظ دستاوردهای هسته‌ای در مذاکرات دچار تردید کرده بود.

چه در این دوره و چه در دوره‌های بعدی، این مذاکره‌کنندگان نبودند که سیاست‌های مذاکره و تعامل در حوزه سیاست خارجی کشور را تعیین می‌کردند، بلکه آنها با هنر دیپلماسی به اجرای این سیاست‌ها می‌پرداختند. البته بی‌اعتمادی به این معنا نیست که آنها هیچ نقشی در اجرای راهبردها و شیوه تعامل نداشتند. طبیعی است تغییر شرایط در طول سال‌های مذاکره نیز نیازمند اتخاذ تاکتیک‌های متفاوت است که حاصل خلاقیت و مشی تیم مذاکره‌کننده در هر دوره بوده است.

استراو؛ قهرمان به چالش کشیدن برنامه هسته‌ای

جک استراو که وزیر امور خارجه انگلیس بود، یکی از موثرترین افراد در دوره نخست مذاکرات محسوب می‌شد. هرچند بسیاری او را فردی علاقه‌مند به شکل‌گیری توافق می‌دانستند، اما در این دوره پرونده هسته‌ای ایران موفقیت‌چندانی در مسیر توافق دوجانبه کسب نکرد. این اظهارنظر استراو که «من قهرمان به چالش کشیدن برنامه هسته‌ای ایران هستم» نیز بعد دیگری از چهره این رئیس تیم مذاکره‌کننده اروپایی را نشان می‌داد.

شاید همین اظهارنظرها و سیاست یک‌بام و دو‌هوای این سیاستمدار انگلیسی برای پیش‌راندن نقشه تعطیلی تاسیسات هسته‌ای تهران در عین اذعان او به حق بهره‌مندی از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برای همه کشورها و اظهار تمایلش برای حل دیپلماتیک مساله هسته‌ای ایران را بتوان یکی از موانع مهم در مسیر توافق در این دوره دانست.

بعدها استراو بارها با اظهار تاسف از شکل نگرفتن توافق در آن مقطع، آمریکا را مقصر اصلی این موضوع دانست. او چند ماه قبل در قامت یک نماینده پارلمان انگلیس به ایران آمد و گرچه برخی گمان می‌کردند برای واسطه‌گری در مساله هسته‌ای پا به ایران گذاشته است، اما این موضوع هیچ وقت محقق نشد و او همچون گذشته نتوانست نقشی در حل این پرونده ایفا کند.

ناکامی سیاست توجه به شرق

در دوران مسئولیت علی لاریجانی در پرونده هسته‌ای ایران، دیگر پای مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز به این مساله باز شده بود. ابتکار، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی برای ورود چین و روسیه به جریان مذاکرات تحت عنوان توجه به شرق

یک راهبرد تازه برای تقویت موضع ایران در مذاکرات محسوب می‌شد. در این دوره خاویز سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ریاست گروه مذاکره کننده طرف مقابل را به عهده داشت.

ناگفته‌هایی درباره این دوره مذاکرات بعد از حدود شش سال از زبان علی اکبر ولایتی در مناظرات انتخابات ریاست جمهوری سال 92 در تلویزیون گفته شد. او گفت: «آقای لاریجانی در حال رسیدن به توافق با آقای سولانا بود که خبر رسید شخصی در نماز جمعه روز قدس گفته ایران هیچ مذاکره‌ای با اروپا ندارد و اینچنین شد که مذاکرات ناکام ماند و لاریجانی به کشور بازگشت.» به هر حال در این دوره نیز توافقی به دست نیامد که بتواند مهر پایانی بر پرونده هسته‌ای ایران باشد.

فارغ از این موضوع برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که در این دوره سیاست‌ها نشان دهنده نوعی زمان خریدن از سوی طرف ایرانی برای پیشبرد فعالیت‌های هسته‌ای بوده است و نبود علاقه از سوی 1+5 برای گام برداشتن در مسیر توافق نیز مزید بر علت می‌شود تا پرونده هسته‌ای ایران پیشرفتی جدی نداشته باشد.

سرسختی‌های سولانا برای پذیرش حقوق ایران

سولانا از آن دسته افرادی است که نمی‌توان نقش او را در جریان مذاکرات هسته‌ای نادیده گرفت. او با وجود چهره دیپلماتیکی که از خود به نمایش می‌گذاشت، مرد سرسختی در مذاکرات بود. روایت او از جریان مذاکراتش این گونه است: «پس از روحانی، لاریجانی آمد که او هم مذاکره‌کننده‌ای بسیار باهوش و باذکاوتی بود، اما ما به دلیل یک مساله کوچک نتوانستیم با آنها به توافق برسیم و آن این بود که ما همواره اصرار داشتیم باید برنامه هسته‌ای خود را متوقف کنید، اما هرگز سخنی از به رسمیت شناختن غنی‌سازی مطرح نمی‌کردیم.»

او درباره تحریم‌های وضع شده در این دوره هم معتقد است: «ما همواره بر فریز در برابر فریز تاکید داشتیم و چون نپذیرفتند، آنها را به طور مرتب تحریم کردیم، اما این تحریم‌ها تأثیری در توسعه فناوری هسته‌ای ایران نداشت.»

تحریم‌های یکجانبه و تندخویی طرف مذاکره برای به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران اجازه نمی‌داد لبخندهای دیپلماتیک سولانا و لاریجانی کار را روی کاغذ جلو ببرد و از اتاق‌های مذاکره دستاورد چشمگیری برای حل پرونده به دست نیامد.

مقاومت‌های دوطرفه و پافشاری بر مواضع

نوبت به سعید جلیلی رسیده بود تا پس از لاریجانی با درپیش‌گرفتن راهبرد مقاومت و مذاکره، تاکتیک تازه‌ای را در پیش گیرد. حالا رئیس تیم مذاکره‌کننده ایرانی در برابر مسئول جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار گرفته بود. جلیلی و کاترین اشتون تلاش می‌کردند طرف مقابل را به کوتاه‌آمدن از خواسته‌هایش قانع سازند، اما بیانیه‌های مشترک نشان از پیشرفت چشمگیری برای رسیدن به توافق نداشت. هر یک از دو طرف نیز به مقاومت خود در برابر خواسته‌های طرف مقابل ادامه می‌دادند. یک دوره طولانی مذاکرات از ژنو تا پاریس و از استانبول تا بغداد و سپس آلمانی نتیجه تازه‌ای دربرداشت. این روند مذاکرات نیز مانند دوره‌های گذشته در ایران منتقدانی داشت؛ منتقدانی که این دوره را بدون دستاورد ارزیابی می‌کردند و سرسختی طرفین مذاکره را عامل اصلی در برابر دستیابی به توافق و حل پرونده می‌دانستند.

هر چند به اعتقاد برخی در این دوره فرصت‌هایی برای تعامل بیشتر از سوی طرف ایرانی و غربی وجود داشت، ولی هیچ یک از دو طرف از این فرصت‌ها استفاده نکردند تا همچنان این پرونده میان تیم‌های مذاکره‌کننده دست به دست شود.

شعارهای تازه دولت یازدهم و بوی تغییرات

دولت یازدهم در حوزه هسته‌ای وعده‌هایی داده بود که برای همه نشان از تغییر در مسیر پرونده داشت. «باید سانتریفیوژها بچرخد، اما زندگی مردم هم باید بچرخد»؛ این گفته دولتی‌ها تصمیم تیم جدید برای شروع راهی تازه در جهت تعامل و برداشته شدن تحریم‌ها را نشان می‌داد. سپردن مسئولیت مذاکرات از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه نیز پازل این تغییر رویکرد را تکمیل کرد و از آنجا که طرف غربی پیش از این با دیپلمات‌های تازه نفس ایرانی در مذاکرات آشنا بود، پیام این تغییرات را درک کرد.

همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد تعیین خطوط قرمز برعهده تیم مذاکره‌کننده نیست و به نظر می‌رسد در این برهه جمهوری اسلامی ایران راه جدیدی را برای آزمودن ادعاهای غرب درپیش گرفته است. به گفته محمدجواد ظریف هر چیزی که مذاکره‌کنندگان به صورت کتبی یا شفاهی در مذاکرات مطرح می‌کنند، در چارچوب محورهای از پیش تعیین شده در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری است. در برخی موارد نیز پیش آمده که مذاکره‌کنندگان در تدوین موارد مطرح شده در مذاکرات نقشی نداشته و تنها آنها را اجرا کرده‌اند.

به هر حال توافق اولیه در ژنو مهم‌ترین نشانه در مسیر این تغییر رویکرد بود. در متن این توافق آمده است: «هدف این مذاکرات، رسیدن به یک راه حل جامع مورد توافق و بلندمدت است - این راه حل جامع متضمن یک برنامه غنی‌سازی با تعریف مشترک و محدودیت‌های عملی و اقدامات شفاف ساز به منظور تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای است - این راه حل شامل یک فرآیند متقابل و قدم به قدم است و به رفع همه جانبه تمام تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های ملی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران می‌انجامد.»

مهر تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر پایبندی ایران به تعهدات خود پس از این توافق، طرف غربی را در شرایطی قرار داد که برای برآورده شدن خواسته‌هایش پای مسائل دیگری را به میز مذاکره باز کند. از بهانه جویی‌های فرانسه سر مساله اراک و صحبت‌های آمریکایی‌ها درباره توان موشکی ایران و حقوق بشر به نحوی در مذاکرات خلل ایجاد کرد، اما همه طرف‌های

مذاکره متوجه شدند افکار عمومی دنیا بخوبی در حال رصد روند این پرونده است و این بار بازی با مهره های دیگر، شانس برد آنها را افزایش نخواهد داد. به همین دلیل امروز با مدیریت تیم ایرانی که از حمایت های رهبر معظم انقلاب بهره می برد تنها بحث مطرح در مذاکرات، موضوعات هسته ای بوده و نگاه ها بیش از پیش متوجه طرف غربی است؛ نگاه هایی که مسئولیت نرسیدن به توافق جامع را متوجه 5+1 می دانند.

فرصتی که دوباره پیش نخواهد آمد

شرایط به وجود آمده را نمی توان تنها به تیم فعلی مذاکره کننده نسبت داد و باید دانست تلاش تیم های پیشین در ایجاد این فرصت برای توافق جامع اثرگذار بوده است. به نظر می رسد فرصت سوزی غرب باعث می شود بهترین زمان برای توافق جامع ایران و 5+1 از دست برود؛ فرصتی که از سوی روحانی و ظریف برای غرب «تاریخی» خوانده شد.

سیاست نخ نماي تحریم دیگر پاسخگوی انتظارات جامعه بین الملل نیست و همه منتظرند طرفین درک درستی از شرایط برای پایان دادن به منازعه یک دهه اخیر در سطح بین الملل نشان داده و مساله را حل کنند. سولانا نیز از این سیاست سوخته این گونه یاد می کند: «اگر ما سال ها پیش همین توافق را با ایران می کردیم و به سیاست تحریم رو نمی آوردیم، حالا شرایط این گونه نبود. تحریم ها موجب شد از نظر اقتصادی مردم ایران رنج ببرند، اما باعث توقف برنامه هسته ای آن نشد.»

شاید این بار پیام حرف های سولانا تصویر پیش روی 1 + 5 را پس از بیست و چهارم نوامبر روشن تر سازد تا نگذارند این فرصت از دست برود. هرچند از اتاق های مذاکره اخبار توافق 95 درصدی به گوش می رسد، اما ظریف خبر داده توافق بر سر همه یا هیچ، یک راهبرد تعیین کننده از سوی هر دو طرف برای سرنوشت مذاکرات است.

حسین اسماعیلی / جام جم